

اهمیت کنونی حقوق عرفی * در حقوق بین المللی بشردوستانه

هنکرتس **

محمدحسین رضائی قوام آبادی ***

چکیده:

عرف به عنوان یکی از منابع شکلی حقوق بین الملل عمومی محسوب می شود که در ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری به آن اشاره شده است. قواعد عرفی نقش مهمی در تعیین محتوای حقوق بین المللی بشردوستانه بازی می کنند و قادر به رفع خلأ موجود در حقوق معاهده ای می باشند. قواعد عرفی بشردوستانه بین المللی در موارد عدیده مورد توجه قرار گرفته اند که از آن جمله می توان به رویه قضائی دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی اشاره کرد. نظر به اهمیت این قواعد، کمیته بین المللی صلیب سرخ به عنوان ضامن و نگاهبان حقوق بین الملل بشردوستانه اقدام به مطالعه ای گسترده در این باب کرد که در این مقاله سعی می شود به اختصار به چگونگی تشکیل گروه کارشناسی و نحوه کار آن و به طور کلی نقش کمیته مزبور در این خصوص پرداخته شود.

واژگان کلیدی:

عرف، حقوق بین الملل بشردوستانه، کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹، کمیته بین المللی صلیب سرخ، مخاصمات مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی، حقوق معاهده ای.

* "Importance actuelle du droit coutumier"

"Un siècle de droit international humanitaire- Centenaire des Conventions de La Haye Cinquantenaire des Convention", de GenAve 2001.

•• مشاور حقوقی کمیته بین المللی صلیب سرخ.

••• دکتر حقوق بین الملل.

مقاله حاضر در پی دو هدف است: نخست، جست و جوی دلایلی که امروزه موجب شناخت قواعد عرفی حقوق بین الملل بشردوستانه هستند، و دوم تشریح یکی از موضوعات مورد توجه جامعه بین المللی برای شفاف کردن محتوای حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی که این موضوع به طور مشخص مطالعه‌ای است که توسط کمیته بین المللی صلیب سرخ از سال ۱۹۹۶ در خصوص قواعد عرفی حقوق بین الملل بشردوستانه انجام شده است.

۱. ضرورت شناخت حقوق بین الملل عرفی

حقوق معاهدات و حقوق بین الملل عرفی که به عنوان دو منبع اصلی حقوق بین الملل در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند محتوای حقوق بین الملل بشردوستانه را همانند سایر قلمروهای حقوق بین الملل شکل می‌دهند. در قلمرو حقوق بین الملل بشردوستانه، معاهدات از حیث توسعه، محتوا و پذیرش‌شان با موفقیت قابل توجهی همراه بوده‌اند. کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به این کنوانسیونها، مجموعه قوانین فوق العاده مهمی هستند که توسط تعداد زیادی از دولتها مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. در واقع، تا امروز [تاریخ نگارش مقاله در سال ۲۰۰۱] ۱۸۸ کشور به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ملحق شده‌اند، به طوری که تقریباً می‌توان از تصویب جهانی آن صحبت کرد. پروتکل‌های ضمیمه اول و دوم به ترتیب از سوی ۱۵۵ و ۱۴۸ کشور تصویب یا امضا شده‌اند. تنظیم، تصویب و اجرای این معاهدات هدف اصلی کمیته بین المللی صلیب سرخ بوده است. این نهاد معمولاً به حقوق معاهدات اولویت داده و تاکنون هرگز برای شفاف کردن حقوق عرفی نکوشیده است. افزون بر این، مأموریت کمیته بین المللی صلیب سرخ برای اجرای حقوق بشردوستانه و کمک به بزه‌دیدگان مخاصمات مسلحانه، به طور وسیعی مبتنی بر کنوانسیونهای

ژنو و پروتکل‌های ضمیمه آن است.^۱ اگرچه این معاهدات «منطق طبیعی» فعالیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را سامان می‌دهد ولی در عین حال روش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از فقدان نسبی دکترین و آموزه در این باره رنج می‌برد. عرف بین‌المللی، به طور خاص، در کارهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ حضور چندانی نداشته و حتی نام آن نیز عملاً به کار برده نمی‌شود. عدم ارجاع به قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در کار کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از دیرباز انتقاداتی را برانگیخته است. برای مثال در طی جنگ ویتنام، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از اظهار نظر در مورد بمباران وسیع هوایی نسبت به افراد غیر نظامی خودداری کرد.^۲ بنا به نظر «بونیون»^۳ این موضوع نزد افکار عمومی اقبالی نداشت و به همین منظور اشکالات زیادی بر آن وارد شد. چهار عاملی که به نظری موجب سکوت عمیق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ شده است بدین شرح است. نخستین عامل «عدم ثبات مبانی حقوقی است: کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با صراحت حقوق بشردوستانه را که به وسیله کنوانسیونهای ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹ معمول شده است، نپذیرفت، زیرا وضعیت آشفته حقوق جنگ در دهه‌های اخیر مورد تمسخر و مضحکه قدرتهای بزرگ قرار گرفته، و این موضوع سبب نگرانیهایی در خصوص خلأهای موجود شده است. تمام آنچه گذشت به سان این است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ متقاعد شده باشد که مبنای حقوقی کافی و استواری برای مداخلاتش در اختیار

۱. علاوه بر کنوانسیونهای ژنو و پروتکل‌های ضمیمه آن، نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مبتنی بر اساسنامه‌های نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر است که در بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر به تصویب رسید.

۲. ریاست کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به منظور یادآوری در ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۵ به دان راسک وزیر کشور نوشت که «طرفین متخاصم در عملیات‌شان ملزم اند از افراد غیر نظامی که هیچ مداخله‌ای در مخاصمه ندارند، حمایت کنند...».

ندارد.» با وجود این، در آن زمان کمیته به دنبال یافتن دلایلی در حقوق بین الملل عرفی در رابطه با حمایت از افراد غیر نظامی در مقابل بمباران هوایی نبوده است. دومین عامل تفاوت بین حقوق ژنو و حقوق لاهه است. کمیته بین المللی صلیب سرخ مسئله مشروعیت بمباران هوایی را امری مربوط به حقوق لاهه دانست لذا صلاحیتی در ابراز عقیده در این خصوص نداشته است. دو عامل دیگر مربوط به فقدان اطلاعات دست اول و وضعیت نامعین زندانیان آمریکایی بود.

برعکس، در قلمرو حقوق بشر که معاهدات زیادی وجود دارد [هرچند اغلب آنها در سطح جهانی تصویب نشده اند]، سازمان ملل متحد و سایر سازمانها به حقوق بین الملل عرفی روی آورده اند تا بدین وسیله بتوانند عملکرد کشورهایی را که معاهدات مربوط به حقوق بشر را تصویب نکرده اند مورد انتقاد قرار دهند. در واقع، اعلامیه جهانی حقوق بشر حداقل در خصوص حقوق مدنی و سیاسی به فهرستی از قواعد حقوق عرفی، تبدیل شده است، در حالی که چنین چیزی در حقوق بین الملل بشردوستانه به هیچ وجه وجود ندارد. پس باید توضیح داد که چگونه ضرورت شناخت حقوق بین الملل عرفی در دهه ۱۹۹۰ به وضوح آشکار شد. دلیل اصلی این است که امروزه بیشتر مخاصمات، درگیریهای مسلحانه غیر بین المللی هستند. در مورد این مخاصمات، حقوق معاهدات خیلی ضعیف است و منابع اصلی آن تنها سی مقرره ای است که در ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای ژنو^۴ و پروتکل دوم الحاقی وجود دارد.

ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی دوم

۴. ماده ۳ مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ دارای اهمیت زیادی است، زیرا این ماده به مثابه کنوانسیون کوچکی در کنوانسیونهای ژنو محسوب می گردد. با اینکه این ماده در خصوص مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی وضع شده است ولی به هیچ وجه تعریفی از این گونه مخاصمات به دست

دارای اهمیت زیادی هستند، اما آنها تنها حاوی چند قاعده مهم‌اند. این اسناد در خصوص هدایت مخاصمات حاوی مقررات خاصی نیست. به عنوان مثال می‌توان به مخاصمه در درون یک کشور، مانند مخاصمه کوزوو بین نیروهای جنبش استقلال طلب کوزوو و نیروهای فدرال یوگسلاوی اشاره کرد. در چنین مخاصمه‌ای چگونگی هدایت مخاصمه نزد طرفین با اتکا بر ماده ۳ مشترک و پروتکل دوم الحاقی مشکل است. از سویی در حدود بیست سال جنگ داخلی با ابعاد بین‌المللی آن در آنگولا، تنها ماده ۳ مشترک قابل اعمال بود و کشور مزبور پروتکل دوم را نیز تصویب نکرده بود. همین وضعیت در رابطه با جنگ جمهوری دمکراتیک کنگو [زئیر سابق] نیز صادق بود. بنابراین، می‌توان گفت در چنین مواردی حقوق معاهده‌ای قابل اعمال، به سبب فقدان تصویب یا خلأ موجود در نصوص معاهده‌ای، به شدت محدود است. در حالی که محتوی

نمی‌دهد. در صدر ماده تعهداتی برای هر یک از طرفین مخاصمه [دولت قانونی متعاهد به کنوانسیون و گروه یا سازمان شورشی] مشخص، و آنها را ملزم به رعایت آن کرده است. رعایت حقوق افرادی چون اعضای نیروهای مسلح که سلاح خود را بر زمین نهاده‌اند، بیماران، مجروحین و در واقع کسانی که در مخاصمه مشارکت ندارند مورد توجه قرار گرفته است و نژاد، رنگ، مذهب، اعتقاد، جنسیت و یا هرگونه معیار مشابهی را موجب تبعیض نمی‌داند و در ادامه تعرض به جان و تمامیت جسمانی به‌ویژه قتل و نقص عضو، شکنجه و سایر اعمال غیر انسانی، محکومیت و مجازات بدون محاکمه و غیره را ممنوع کرده و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را به عنوان یک ارگان بی‌طرف که قادر به ارائه کمک به طرفین مخاصمه است معرفی می‌نماید. شایان ذکر است که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ فعالیت زیادی در جهت توسعه تدریجی کنوانسیونهای چهارگانه ژنو، در چهارچوب کنفرانسهای دیپلماتیک ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۷ به منظور تدوین پروتکل‌های ضمیمه اول و دوم مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی [پروتکل اول] و غیر بین‌المللی [پروتکل دوم] انجام داده است. این ماده به همراه پروتکل دوم ۱۹۷۷، تنها مقررات معاهده‌ای هستند که بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی اعمال می‌گردند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶ در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوا و همچنین در رأی مشورتی خود در سال ۱۹۹۶ در مورد مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاحهای هسته‌ای به این ماده صریحاً اشاره کرده است. [مترجم]

پروتکل اول بسیار کامل تر از پروتکل دوم است ولی با وجود این، پروتکل مذکور به سبب عدم تصویب جهانی با مشکلات اجرایی زیادی روبه‌روست؛ همچنان که در مخاصمه بین‌المللی بین نیروهای یوگسلاوی و نیروهای سازمان آتلانتیک شمالی [ناتو]، پروتکل اول در مورد سه کشور عضو ناتو [ایالات متحده، فرانسه و ترکیه] که پروتکل اول را تصویب نکرده بودند اعمال نگردید. در حالی که برعکس، تمام دولتهای عضو ناتو توسط قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه متعهد می‌باشند. امروزه، قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در چهارچوب سه محور جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند: رویه قضائی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق،^۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مطالعه انجام شده توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص قواعد عرفی. اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، خود را در مورد نقض قوانین و عرفهای جنگی صالح اعلام کرد. پس دادگاه در حال حاضر باید از خلال رویه قضائی اش ماهیت این نقضها را روشن کند. همچنین با شکل‌گیری اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شرایط تدوین تعدادی از تخلفات فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح در حقوق عرفی فراهم شد.^۶ مقاله حاضر به محور سوم یعنی مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌پردازد.

۵. دادگاه جزائی بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۵ در رأی معروف تادیج [Tadic] اعلام کرد که نقض قوانین و عرفهای جنگی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی جرم جنگی محسوب می‌شود. [مترجم]

۶. ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که به جرائم جنگی اختصاص دارد در بندهای «ب» و «ه» نقضهای فاحش قوانین و عرفهای قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی را صریحاً پیش‌بینی کرده است. [مترجم]

۲. مطالعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه

۱-۲. مأموریت

در رابطه با مطالعه انجام شده توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، لازم به ذکر است که در سال ۱۹۹۳ گروه کارشناسان بین‌المللی حمایت از بزه‌دیدگان جنگ، انجام مطالعه در این خصوص را پیشنهاد کرد. این پیشنهاد در بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در سال ۱۹۹۵ تأیید شد و ضمناً از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز درخواست شد تا با کمک کارشناسان حقوق بین‌الملل بشردوستانه معرف مناطق مختلف جغرافیایی و سیستم‌های متعدد حقوقی و همچنین مشورت با کارشناسان دولتی و سازمان‌های بین‌المللی گزارشی در رابطه با قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه که قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی باشد تهیه و آن را برای دولت‌ها و ارگان‌های بین‌المللی صالح ارسال نماید.

۲-۲. سازمان (تشکیلات)

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم در مورد خلاصه عملکرد دولت‌ها در موضوع مورد نظر از پنجاه محقق داخلی، شش محقق بین‌المللی و دو محقق آشنا به سوابق و بایگانی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ استفاده کرد. خلاصه مطالعه انجام شده حدود دو هزار صفحه است که باید در سال ۲۰۰۰ انتشار یابد.^۷

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ همچنین در طی دو نشست با حدود سی نفر از کارشناسان دولتی و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی، دادگاه کیفری

۷. مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد قواعد عرفی سرانجام در دو مجلد تحت عنوان "customary International Humanitarian law" در سال ۲۰۰۵ توسط دانشگاه کمبریج به چاپ

بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق مشورت کرده است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تلاش کرده است که گزارشش به عنوان سندی مرجع در سطح حقوقی تلقی شود و برای دولتها معتبر ارزیابی گردد، زیرا هر چند این گزارش انعکاس آنچه این نهاد در مورد حقوق بین‌الملل عرفی انتظار دارد، نیست ولی، کاوشی مبتنی بر تحقیقات حقوقی مشخصی است. جزئیات بیشتر در خصوص ترکیب [اعضا] تحقیق در طرح اقدام که در این خصوص تنظیم شده است، وجود دارد.

۲-۳. قلمروهای تحت پوشش

قلمروهای تحت پوشش مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در طرح اقدام احصا شده است که در اینجا چند نکته خاص از آنها را ارائه می‌دهیم.

در رابطه با جنگ دریایی کمیته تصمیم گرفته بود که این موضوع مورد بررسی قرار نگیرد، و در این زمینه به رهنمودهای سن رومو^۸ در ارتباط با حقوق بین‌الملل قابل اعمال در مورد مخاصمات بین‌المللی در دریا رجوع کرد. ولی حقوق بین‌الملل بشر به عنوان یکی از قلمروهای مورد مطالعه این کمیته قرار گرفت هر چند، مأموریت محول شده به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تنها به حقوق بین‌الملل بشردوستانه مربوط می‌شود ولی مخاصمات غالباً در بستر خاص حقوق بشر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. به علاوه، باید یادآور شد که حقوق بشر در تمام زمانها از جمله زمان مخاصمه قابل اعمال است. یقیناً این حقوق امکان ایجاد محدودیت برای برخی مقررات را در زمان مخاصمه مسلحانه پیش‌بینی کرده‌اند اما در عین حال تصریح شده است که بعضی از این

۸. سن رومو [San Remo] سازمان غیردولتی ایتالیایی است که در سال ۱۹۷۰ به منظور ارتقا و توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه تشکیل شده است و ارتباط و همکاری نزدیکی با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دارد. [مترجم]

حقوق را نمی‌توان نقض کرد.

۲-۴. دوره تحت پوشش:

تحقیق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اساساً بر عملکرد دولتها از زمان پذیرش پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ متمرکز شده است که این مدت زمان برای انجام این مطالعه کافی است. در واقع، یک قاعده حقوق عرفی به شرط اینکه عملکرد این قاعده حقوق عرفی به حد کافی و بدون تناقض اعمال گردد می‌تواند در مدت کوتاهی خلق شود.

تسلیحات لیزری کورکننده مثال جالبی در این خصوص است. به سبب مذاکرات فشرده و به دنبال عملکرد دولتها نسبت به این سلاحها، معاهده‌ای در سال ۱۹۹۵، تصویب شد که استفاده از این سلاحها را ممنوع کرد. این معاهده عبارت است از پروتکل چهارم کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد برخی سلاحهای کلاسیک. از آن به بعد، کلیه برنامه‌های گسترش و استفاده از این تسلیحات متوقف گردید و پروتکل مزبور [توسط تعدادی از دولتها] به تصویب رسید. بنابراین، این عملکرد چه از - حیث گسترش و کاربرد این تسلیحات و چه در زمینه اعلام و بیان یک اعتقاد حقوقی مبنی بر ممنوعیت این سلاحها، قابل توجه و معنادار است. در واقع دولتها باید در خصوص اینکه این سلاحها بایستی مشروع یا نامشروع باشند تصمیم‌گیری کنند، هرچند که این تسلیحات هنوز مورد استفاده قرار نگرفته باشند. و نهایتاً این روند در مدت زمان نسبتاً کوتاهی منتهی به پروتکل چهارم و تصویب آن گردید. امروزه می‌توان گفت همه دولتها استفاده از سلاحهای لیزری کورکننده را آن گونه که در پروتکل چهارم تعیین شده، غیرقانونی می‌دانند، برعکس وضعیت مینهای ضد نفر در حال حاضر بدین گونه نیست. در واقع اگرچه تعدادی از دولتها استفاده از این مینها را ممنوع کرده‌اند ولی هنوز تعدادی از

دولتها برای خود حق ادامه استفاده از آنها را محفوظ داشته‌اند و بنابراین نمی‌خواهند متعهد به ممنوعیت مینها شوند. در این مورد به نظر می‌رسد که عملکرد و اعتقاد حقوقی لازم برای شکل‌گیری و ایجاد یک ممنوعیت عرفی استفاده از مینهای ضد نفر وجود ندارد.

۳. نتایج

یک اینکه قواعد متعددی وجود دارد که مطابق حقوق بین‌الملل عرفی در مورد مشخصات مسلحانه غیر بین‌المللی اعمال می‌گردد. با توجه به ماهیت خاص چنین مشخصاتی قواعدی در حقوق بین‌الملل عرفی وجود دارد که تنها بر مشخصات مسلحانه غیر بین‌المللی اعمال می‌شود.

دو اینکه، مطالعه مزبور، اثر و نتیجه‌ای که یک تدوین کامل (مقررات) همچون پروتکل‌های الحاقی می‌تواند بر عملکرد دولتها، حتی برای دول غیر متعاقد داشته باشد، را آشکار ساخت. عملکرد دولتها تأثیر این معاهدات بر نوع ادبیات به کار گرفته شده توسط آنها را در رابطه با حقوق بشردوستانه و مفاهیم این شاخه از حقوق به خوبی نشان می‌دهد. دولتها، معاهدات حقوق بشردوستانه [یا شکل‌گیری آنها] را مرجعی مفید توصیف می‌کنند چه آنها را تصویب کرده چه تصویب نکرده باشند. پس، توجه به خلأهای موجود در قلمرو حقوق بین‌الملل بشردوستانه به خصوص زمانی که عملکرد [دولتها] روشن نیست امری مفید به نظر می‌رسد.

این موضوع باید در آینده توسط کارشناسان دولتی مورد بحث قرار گیرد تا از آنچه می‌توان و یا باید انجام داد، آگاه شد و همچنین به بعضی از سؤالات از جمله، اینکه در یک مشخصه مسلحانه غیر بین‌المللی چه کسی می‌تواند مورد حمله قرار گیرد، چه کسی جنگجو محسوب گردد- واره‌ای که در مورد مشخصه غیر بین‌المللی تعریف نشده است- وضعیت اشخاصی که با

کمک‌های خود از شورشیان [برای مثال تهیه اطلاعات] حمایت می‌کنند و اینکه آیا نیروهای دولتی می‌توانند به این اشخاص حمله کنند پاسخ داد. مسائلی که ماهیتاً نظری صرف نیستند و بنا به تجربه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ دارای بار عملی زیادی هستند. این مسائل همچنین نشان می‌دهد که رویه در این زمینه روشن و شفاف نیست و روشن کردن حاکمیت قانون و توسعه آن ضروری به نظر می‌رسد.

سرانجام، اینکه باید تأثیر فزاینده سایر قلمروهای حقوق بین‌الملل، بر حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تصدیق کرد. این تأثیر، علاوه بر حقوق بین‌الملل حقوق بشر که قبلاً ذکر گردید در مورد حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز صادق است. در این رابطه، کارشناسان دولتی نتایج اولیه مطالعه انجام شده در خصوص حمایت از محیط زیست را محتاطانه ارزیابی کرده‌اند. بحث مربوط به ماده ۵۵ پروتکل دوم الحاقی که خسارات گسترده، پایدار و فاحش بر محیط زیست را ممنوع می‌کند موجب ابراز نقطه نظرهای متعددی از طرف کارشناسان گردیده است. آنها به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پیشنهاد کردند که نباید تحول حقوق محیط زیست را از نظر دور داشت به ویژه معاهدات زیادی وجود دارد که از محیط زیست حتی در زمان مخصصات مسلحانه حمایت می‌کنند. بنابراین، کارشناسان به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پیشنهاد کردند که این قلمرو از حقوق بین‌الملل را مورد توجه قرار دهد. در نتیجه، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ امیدوار است که گزارشش در مورد حقوق بین‌الملل عرفی، که در سال ۲۰۰۰ انتشار می‌یابد برای دولتها مفید واقع گردد و به تمام کسانی که شفاف‌سازی حقوق بین‌الملل بشردوستانه را ضروری دانستند کمک کند.

فهرست منابع

1. BUGNION (Frnacois), **Le Comita international de la Croix-Rouge et la protection des victimes de la guerre**, Genave, 1994.
2. DOSWALD- BECK (Louise), **San Remo Manuel on International Law Applibcation to Armed Conflits at Sea**, Prepared bay international lawyers and naval experts convened by the International Institute of Humanitarian Law, Cambridge University Press, 1995.